

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۱ جولای ۲۰۱۹

آشوب در لیبیا محصول رقابت امپریالیستی است

لیبیا دوباره در آتش می‌سوزد. وعده‌های امپریالیستی مبنی بر استقرار دموکراسی و ایجاد فضای آزاد سیاسی و احترام به حقوق بشر پوچی خویش را به بهترین وجهی در عمل نشان می‌دهند. امپریالیستها همه ممالک را با همین‌گونه استدلالات عوامفریبانه به خاک و خون کشیده‌اند. لیبیا کشوری نفت‌خیز است و هم اکنون بزرگترین مخزن آب آفریقا را در درون خود جای داده است. تسلط بر لیبیا تسلط بر شمال آفریقا را تسهیل می‌کند و مانع سرازیر شدن پناهندگان، این قربانیان امپریالیسم از طریق لیبیا به اروپا می‌شوند. تسلط بر لیبیا تسلط بر نفت این کشور نیز هست که بر سر آن به ویژه میان ایتالیا (کنسرن انی) و فرانسه (کنسرن توتال) درگیری ایجاد کرده است. فرانسه می‌خواهد به تسلط سنتی ایتالیا در لیبیا و بر چاه‌های نفت آنجا خاتمه دهد. تسلط بر لیبیا و یکپارچه کردن آن زیر سلطه حکومتی قدرتمند به وضعیت متزلزل و سراپا آشوب لیبیا که مرکزی برای گروه‌های تروریستی و باندهای تبهکارانه جهانی شده است، خاتمه می‌دهد. امروز همه ممالک شمال آفریقا مصر، تونس، الجزایر و مراکش تصمیم دارند برای حفظ امنیت خویش به این وضعیت خاتمه دهند و این درحالی است که تضادهای امپریالیستها برای دخالت در اوضاع لیبیا و گرداندن وضعیت به نفع خود تشدید شده است. در لیبیا صفتبندیهای جدیدی ایجاد شده است که تا پیروزی بخشی بر بخش دیگری این نابسامانی ادامه دارد. این تضادها مراکش، الجزایر و تونس را در مقابل مصر قرار داده است.

مخالفان قذافی، که در سال ۲۰۱۱ در گیرودار بهار (خزان) عربی قد علم کردند و از جانب کشورهای غربی پشتیبانی می‌شدند، غیر از مخالفت با قذافی در هیچ زمینه‌ای هم‌نظر نبودند. از همین‌رو از همان فردای سرنگونی معمر قذافی نزاع بر سر قدرت در لیبیا در گرفت.

سلاح‌هایی که نیروهای امپریالیستی، به ویژه فرانسه در تناقض با حقوق ملل، به خاطر براندازی قذافی میان گروه‌های شبه نظامی پخش کرده بودند، پس از سرنگونی معمر قذافی کماکان در دست گروه‌ها باقی ماند. در واقع رقابت بین امپریالیست‌ها، به ویژه ایتالیا و فرانسه از زمانی آغاز شد که فرانسه در سال ۲۰۱۱ تصمیم به سرنگونی قذافی گرفت. مادام که قذافی به فرانسه نفت می‌فروخت، جلو هجوم پناهندگان به اروپا را می‌گرفت. پترودالر را به بانک‌های فرانسه می‌سپرد و حتی به جناب سرکوزی، در مبارزات انتخاباتی‌اش کمک قابل ملاحظه‌دالری می‌کرد و ... در پاریس با گستردن فرش قرمز از وی استقبال می‌شد. اما پس از بروز بحران مالی ۲۰۰۸ در غرب، که با ورشکستگی بانک «برادران لیمن» Lehman Brothers در امریکا آغاز گشت، قذافی از ترس، دالرهای خود را از بانک‌های فرانسه

خارج و به بانک‌های چین منتقل نمود و به موازات آن اعلام کرد که زین پس نفت را نه با دالر و نه با یورو – که در معرض بحران شدید قرار گرفته بودند – بلکه فقط در ازای طلا می‌فروشد، غرب و در رأس آن فرانسه تصمیم گرفت وی را سرنگون سازد و برای این منظور رقبای قذافی در شرق لیبیا را با خواسته‌های "دموکراتیک" و خوش طنین بسیج نمود و به سمت طرابلس کیش داد. امپریالیسم فرانسه که شاهد بود در مبارزه اپوزیسیون وابسته به فرانسه و دولت حاکم لیبیا، دولت در طرابلس به علت برتری هوایی و زمینی دست بالا را دارد، تحت بهانه حمایت از مردم تا مورد بمباران هواپیماهای ارتش لیبیا قرار نگیرند، به سرعت «جامعه بین‌الملل» را قانع کرد که با ایجاد «منطقه پرواز ممنوع» عملاً به لیبیا حمله نظامی کنند و قذافی را از سر راه خود بردارند. تاکتیک «منطقه پرواز ممنوع» بدون مخالفت در شورای امنیت به تصویب رسید. آنگاه فرانسه، انگلستان و آمریکا بی‌محابا در عرض یک هفته پنجاه هزار لیبیایی را به هلاکت رساندند. ایتالیا در آن زمان توافق چندانی با این تجاوز نظامی نداشت. زیرا برلوسکونی، رئیس دولت وقت ایتالیا، همانند دولت پیش از خود، با قذافی کنار آمده بود. او نیز در رُم برای قذافی فرش قرمز پهن می‌کرد. برلوسکونی حتی حاضر شد به خاطر خسارتی که لیبیا در طی دوران استعمار فرانسه توسط کشور ایتالیا متحمل شده بود، غرامت بپردازد و قول ساختن اتوبان و بیمارستان را به او داد. قذافی نیز در مقابل این پیشنهاد، قول داده بود که جلوی ورود پناهندگان به ایتالیا را بگیرد.

از بعد از سرنگونی قذافی رقابت امپریالیست‌های فرانسه و ایتالیا در لیبیا بالا گرفته است. فرانسه که در ابتداء مانند اتحادیه اروپا و ملل متحد از حکومت مرکزی در طرابلس دفاع می‌کرد، بتدریج با ارزیابی از ضعف قدرت مرکزی رنگ عوض کرد و از «جنرال خفتر» در شرق که بخت بیشتری برای آن قایل بود به حمایت برخاست. هم اکنون ایتالیا که روی حکومت مرکزی «زائر السراج» در غرب سرمایه‌گذاری کرده است در نزاع با فرانسه آنها را متهم می‌کند که به آشوبگران و تروریست‌ها یاری می‌رساند. ایتالیا به ویژه امروز که ناسیونال شونیست‌های نژادپرست در رُم بر مسند قدرت تکیه زده‌اند، بیش از هر زمان به دشمن‌تراشی خارجی نیاز دارند، تا از این طریق احساسات ناسیونالیستی مردم را تحریک و آنها را با خود همراه سازند.

کشور لیبیا از همان فردای سرنگونی قذافی عملاً از هم‌گسیخت و جنگ داخلی بر آن حکم‌فرما شد. در ۸ سال گذشته نه تنها از «دموکراسی» و «حقوق بشر»ی که در آغاز وعده‌اش را به مردم لیبیا و افکار عمومی جهان داده بودند، نشان و اثری نیست، بلکه امنیت و آرامش نیز از این کشور رخت بر بسته است. لیبیا به ماوا و مأمن تروریست‌ها و تبهکاران آزاد از قانون بدل شده است. علی‌رغم وجود ذخائر عظیم نفتی در لیبیا، مردم این کشور از کمبود مواد غذایی و داروئی رنج می‌برند. اعمال خشونت از هر سو امنیت و آسایش را از مردم سلب کرده است. امروز پس از ۸ سال هنوز خلاء قدرت خودنمایی می‌کند و هرج و مرج بر کشور حاکم است. وجود دو دولت موازی، گروه‌های شبه نظامی موازی، که تعدادشان به ۱۵۰۰ می‌رسد، دو کودتای نظامی ناموفق و بالاخره یک جنگ داخلی که از اوایل ماه اپریل گذشته اوج گرفته است، کشور را در ناامنی و شورش و فقر و ... فرو برده است. برای نمونه یکی از رهبران شورشی به نام «صلاح بادی» اهل «مصراته» و نیز گروه «بریگاد هفتم» از شهر «تروهونه» در ۶۰ کیلومتری جنوب طرابلس، خود یک قدرت منطقه محسوب می‌شوند. پایه‌های حکومت مرکزی را نیز گروه‌های شبه نظامی تشکیل می‌دهند که کنترل طرابلس را در دست دارند.

در ماه مه سال ۲۰۱۸ فرانسه میزبان اجلاسی با حضور رهبران دو گروه سیاسی رقیب در لیبیا با هدف پایان دادن به هرج و مرج هفت ساله در این کشور واقع در شمال افریقا بود.

این جلسه به ابتکار امانوئل مکرون، رئیس جمهوری فرانسه و با حمایت ملل متحد برگزار شد و نمایندگانی از بیست کشور جهان از جمله ۵ عضو دائمی شورای امنیت، کشورهای همسایه لیبیا، شماری از کشورهای منطقه و مسؤولانی از سازمان‌های بین‌المللی حضور داشتند.

در پایان مذاکره‌های پاریس، رهبران دو گروه سیاسی رقیب در لیبیا یعنی فایز السراج، نخست وزیر دولت وحدت ملی در طرابلس که تحت حمایت ملل متحد است و جنرال خلیفه حفتر، فرمانده نیروهای نظامی موسوم به «ارتش ملی لیبیا» که بر شرق این کشور تسلط دارد، بر سر یک نقشه راه سیاسی ظاهراً به توافق رسیدند.

«فایز السراج» و «جنرال خلیفه بلقاسم حفتر»، که بر سر انجام انتخابات تا پایان سال ۲۰۱۸ توافق کرده بودند، نه تنها وعده‌های خویش را عملی نکردند، بلکه امروز اسلحه به‌دست به ضد یک دیگر می‌جنگند. از داعشیان تا سلطنت‌طلبان محافظه‌کار همدست سلطان ادریس، از سکولارهای ارتشی تا دموکرات‌های لیبرال هر یک در تلاش‌اند تا بر اریکه قدرت تکیه زنند.

اولین «کنگره ملی لیبیا»، که در سال ۲۰۱۲ تشکیل شد، به علت عدم وجود احزاب قوی، بیشتر نمایندگان اقوام و قبایلی به آن راه یافتند که اکثراً از اسلام‌گرایان به‌شمار می‌آمدند. در این «کنگره ملی» که از همان آغاز از باندهای تبهکار تشکیل شدند، رشوه‌خواری، تبانی، فساد و آدم‌ربایی از طریق گروه‌های شبه‌نظامی گسترش یافت. در نتیجه طبیعی بود که وجود چنین وضعی تشکیل دولت را غیرممکن سازد و عملاً کشور را به آستانه ورشکستگی و سقوط کشاند. اسلام‌گرایان برای اجرای قوانین شرعی، نظیر حجاب اجباری و تفکیک زنان و مردان در دانشگاه، وارد عمل شدند که متعاقب آن مخالفان آنها کنگره را تحریم کردند.

اولین کودتا در سال ۲۰۱۳ از دل همین «کنگره ملی» بیرون آمد. «جنرال خلیفه بلقاسم حفتر»، که در گذشته از یاران قذافی به‌شمار می‌آمد، در «جنگ چاد» دستگیر شد. همان زمان شایع شد که سازمان جاسوسی سیا او را در سال ۱۹۸۷ از زندان حکومت چاد فرار داده و به آمریکا برده است. از آن پس «جنرال خلیفه بلقاسم حفتر» از همان آمریکا علم مخالفت علیه قذافی را بلند کرد و با او به مبارزه برخاست. پس از سرنگونی قذافی حفتر به لیبیا بازگشت.

در سال ۲۰۱۴ که اسلام‌گرایان در بنغازی در شرف گرفتن قدرت بودند، حفتر با گروه نظامی تحت فرمان خود با آنها به مقابله برخاست و عملاً علیه کنگره کودتا کرد و جنگی را تحت نام «عملیات کرامت» علیه اسلام‌گرایان آغاز کرد که در آن بخشی از ارتش سابق لیبیا نیز با او همراه شد و به حمایت از او برخاست.

در انتخابات دوم که در سال ۲۰۱۴ برگزار شد و از آن «مجلس النواب» بیرون آمد. اسلام‌گرایان شکست خوردند. شکست‌خوردگان با کمک برخی گروه‌های شبه نظامی به «کنگره ملی» وفادار ماندند و عملاً کنترل طرابلس را در دست گرفتند. از سوی دیگر برخی از اعضای سکولار «مجلس النواب» در شهر کوچک «طبرق» واقع در شمال شرقی، که مورد پشتیبانی مصر قرار دارند، مستقر شدند و به سمت «جنرال خلیفه بلقاسم حفتر» دست دوستی دراز کردند. از این تاریخ «جنرال حفتر» برای تصرف قدرت در سراسر لیبیا وارد عمل شد. در این اثنا لیبیا عملاً از دو حکومت متخاصم برخوردار بود که می‌توان ادعا کرد که از این تاریخ نیز دومین جنگ داخلی لیبیا آغاز گشت.

در سال ۲۰۱۵ پس از سه سال ناآرامی، داعش وارد معرکه شد. این گروه آدم‌خوار، که در آن زمان هنوز در عراق و سوریه بیا و برو داشت، برخی از گروه‌های اسلام‌گرای لیبیا را نیز به خود جلب کرد و در شمال افریقا به نیروی قابل ملاحظه‌ای مبدل گشت. این سازمان جهانی از فقدان قانون در لیبیا بهره جست و برای تصرف قدرت مرکزی خیز برداشت. در آن زمان شمال غرب لیبیا در کنترل «کنگره ملی» و شمال شرق در دست «ارتش ملی» «جنرال حفتر» قرار داشت.

از جانب دیگر قبیله‌های «طوارق» در جنوب غربی و گروه سلفی انصار شریعت، شهر «سرت» در شمال مرکزی لیبیا را در کنترل خود داشتند. داعش، این دست‌پرورده عربستان و کشورهای اروپائی، نیز بر برخی از شهرهای این مناطق سایه شوم خود را گسترانده بود. به علاوه در بسیاری از مناطق دیگر لیبیا گروه‌های شبه نظامی خودسر تشکیل شده بودند. به دیگر سخن هر ج و مرج در این کشور امان از مردم لیبیا سلب کرده بود.

در سال ۲۰۱۶ در اثر تلاش‌ها و میانجی‌گری ملل متحد عده‌ای از دو مجلس «کنگره ملی» و «مجلس النواب» به توافق رسیدند که یک «دولت اتحاد ملی» و «شورای ریاست جمهوری» تشکیل دهند. این شورا که از طرف ملل متحد حمایت می‌شد، «فائز السراج» را به ریاست جمهوری انتخاب کرد و او در همان سال وارد طرابلس شد و قدرت را به دست گرفت. او از همان آغاز به قدرت رسیدن جنگ علیه داعش در «سرت» را آغاز کرد.

«جنرال حفتر» که در سال ۲۰۱۷ اسلام‌گرایان را از بنغازی تاراند و با گردآوردن شبه‌نظامیان «ارتش ملی» را تشکیل داده بود، اکنون داعیه حکومت بر سراسر لیبیا را در سر می‌پروراند. او که در نزاع با اسلام‌گرایان موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده بود، عملاً بر شرق کشور مسلط گشت. «فائز السراج» نیز که در «سرت» و «مصراته» علیه اسلام‌گرایان موفقیت‌هایی به چنگ آورده بود، بر غرب لیبیا حاکم گردید.

در این اثنا نیروهای تحت کنترل «جنرال حفتر» در جنوب نیز موفقیت‌هایی از طریق مذاکره با سران قبایل مناطق نفت‌خیز به دست آورده بودند. هنگام برگزاری کنفرانس بین‌المللی جهت انجام انتخابات سراسر لیبیا «جنرال حفتر» تقریباً ۷۵٪ از کل خاک لیبیا را تحت کنترل خود داشت. در صورتی که «دولت وفاق ملی» تنها بر ۱۳٪ از کشور حکم می‌راند و قبیله «طوارق» ۱۲٪ را در اختیار داشت. ناگفته نماند که کوشش‌های «فائز السراج» و «جنرال حفتر» بر سر انتخابات سراسری، که قرار بود تا پایان سال ۲۰۱۸ انجام گیرد، به نتیجه نرسید.

علت اصلی عدم توافق آنها را باید در دخالت‌های دولت‌های امپریالیستی فرانسه و ایتالیا جست و جو کرد، که برای دستیابی به نفوذ و قدرت هر چه بیشتر، هر یک می‌کوشند که در گروه‌های شبه نظامی با پخش اسلحه نفوذ کرده و از آنها به مثابه پایگاه قدرت استفاده کنند. زیرا که شرق لیبیا دارای منابع عظیم انرژی و در نتیجه موقعیت راهبردی مهم می‌باشد. به همین دلیل رقابت شدیدی میان فرانسه و ایتالیا در لیبیا در جریان است. در حالی که چاههای نفت در شرق لیبیا که در تحت کنترل داعش بود با سرکوب داعش در سال ۲۰۱۶ توسط خلیفه حفتر در اختیار جنرال حفتر قرار گرفته است ولی حق امتیاز فروش نفت در اختیار شرکت ملی نفت لیبیا است که متعلق به دولت مرکزی است و مطابق توافقنامه‌ای که بسته شده است خریداران خارجی نفت لیبیا تنها شرکت دولتی را به عنوان فروشنده نفت به رسمیت می‌شناسند و حاضر نیستند با گروه‌های بی‌نام و نشان تجارت نفتی داشته باشند. این اهرم قدرت مرکزی که پول نفت را میان یاران خویش تقسیم می‌کند خود از مبانی اختلاف نظر است.

اکنون لیبیا دارای دو دولت موازی است. «دولت وفاق ملی» که به طور عمده از جانب ملل متحد حمایت می‌شود و «دولت موقت» که از سوی پارلمان «طبرق»، حامی «جنرال حفتر» در شهر «البیضاء» در شرق این کشور تشکیل شده است. مصر، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، روسیه و اخیراً فرانسه از «دولت موقت» جنرال حفتر – که از مخالفان سرسخت اخوان المسلمین است – حمایت می‌کنند و می‌خواهند نفوذ خود را در شمال آفریقا افزایش دهند.

قطر و ترکیه، که حامی اخوان المسلمین به شمار می‌آیند و مخالف وهابیسم هستند، به اضافه سایر کشورهای غربی از جمله ایتالیا، «دولت وفاق ملی» به رهبری «فائز السراج» را در کنف حمایت خود گرفته‌اند. «دولت وفاق ملی» علناً فرانسه را به پشتیبانی از «جنرال حفتر»، که از چهارم اپریل گذشته به طرابلس حمله نظامی کرده است، متهم می‌کند. حمله نظامی که تاکنون ۲۰۰ کشته، ۱۰۰۰ نفر زخمی و ۱۸ هزار نفر آواره به بار آورده است. اتحادیه اروپا خواهان

آتش بس و وحدت ملی بوده و از نظریه ملل متحد دفاع می‌کند. در جلسه شورای امنیت ملی ملل متحد دولت روسیه با بیانیهای که فقط از جنرال حفتر می‌خواست که از پیشروی به سمت طرابلس خودداری کند مخالفت نموده و اظهار داشت که باید بیانیهای تصویب شود که طرفین درگیری را از توسل به جنگ برحذر دارد و نه فقط جنرال حفتر را. این موضع به آن مفهوم است که دولت روسیه حکومت طرابلس را به عنوان دولت قانونی لیبیا به رسمیت نمی‌شناسد و بر سر پیروزی جنرال حفتر شرطبندی کرده است. این روش روسیه میدانی جدید برای مبارزه با ترکیه در سوریه برای بده بستانهای آتی باز می‌کند. جالب این است که دولت امریکا با این پیشنهاد مخالفت کرده است که هم می‌تواند به منزله حمایت از حفتر تعبیر شود و هم این که مقاومت دولت مرکزی را در برابر حفتر به رسمیت شناخته است. ولی دودوزه بازی امریکا بیشتر حاکی از آن است که امریکا نیز در طرف وهابیتها قرار گرفته است.

در سال ۲۰۱۶ یک هلیکوپتر در لیبیا سقوط کرد که ۳ سرباز فرانسوی سرنشین آن کشته شدند. در آلمان شایع شده بود که آنها برای «جنرال حفتر» اطلاعات مخفی جمع‌آوری می‌کردند و «دولت وفاق ملی» این عمل فرانسه را علیه حاکمیت ملی لیبیا ارزیابی کرد. در این میان تردید نیست که فرانسه، مصر، امارات و عربستان از حامیان «جنرال حفتر» به شمار می‌آیند. با توجه به گذشته «جنرال حفتر» و رابطه او با سازمان جاسوسی سیا به هیچ عنوان بعید نیست که او در زمین امریکا نیز بازی کند. آینده این واقعیت را نشان خواهد داد. از دیگر سو اروپا یا بهتر است بگوئیم غرب مایل است که هر طور شده شمال افریقا را زیر نفوذ خود کشد، تا هم جلوی نفوذ روسیه و چین را بگیرند، هم بر منابع نفتی و گازی این منطقه سلطه یابند و هم این که از هجوم سیل پناهندگان به اروپا جلوگیری کند. اما در این راستا دعوای کنسرنهای نفتی «توتال» فرانسوی و «انی» ایتالیایی، داستان جداگانه‌ایست که بدون تردید به عنوان یک موضوع تنش‌زا میان دو کشور بزرگ اروپایی باقی خواهد ماند. فراموش نکنیم که نقش مخرب ایران در همدستی با امپریالیسم برای سرنگونی دولت مستقل و قانونی لیبیا لکه ننگی است که بر دامن دولت جمهوری سرمایه‌داری اسلامی چسبیده است. آنها هم در یوگسلاوی و هم در لیبیا به منزله همدست امپریالیسم امریکا و ناتو به ضد منافع خلقهای جهان عمل کردند که حال نتایج وخیم این سیاست را بر گوشت و پوست خود در ایران حس می‌کنند.

برگرفته از توفان شماره ۲۳۲ تیرماه [سرطان] ۱۳۹۸ جولای ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

www.toufan.org